

طرح افزایش درک مطلب کودکان دبستانی

با هدف توسعه سواد خواندن

پایه:

نام و نام خانوادگی:

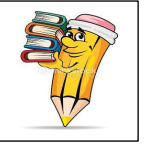
پیدا

در کلاس درس



"دوره اول"

(نجمه جمالی)



فرزند با هوشم، متن داستان را با دقت بخوان و به سوالات جواب بده.

۱- با کلمات داخل کادر یک جمله بنویس.

قوی تر - نوک - با - آن که - کرد - کور - را - دیگری - چشم - بود - خود

۲- در کشور هندوستان راجه به چه کسانی گفته می شود؟

۳- به چه دلیل راجه هر دو طوطی را در یک قفس جا داد؟

۴- چرا راجه از دست طوطی ناراحت شد؟

۵- بر اثر چه اتفاقی راجه طوطی را بخشید؟

"معاونت آموزشی"

* جواب طوطی *

روزی بود و روزگاری بود، در زمان قدیم یکی از راجه های (فرمانروایان) هندوستان دو طوطی خوش آواز و شیرین سخن داشت که یکی را در ایوان و یکی را در اتاق از دیوار آویخته بود. راجه در میان سرگرمی ها و تفریح هایی که داشت گفت و گوی این دو طوطی را از همه چیز بیشتر دوست می داشت.

او ساعت ها پهلوی هر یک می نشست و آن ها حرف هایی که آموخته بودند را تکرار می کردند و سرودهایی که می دانستند را می خواندند و راجه از آن لذت می برد.

یک روز راجه برای تعمیر یکی از قفس ها، هر دو طوطی را در یک قفس جا داد. چون مدتی گذشت طوطی ها دعوایشان شد، به جان هم افتادند و آن که قوی تر بود با نوک خود چشم دیگری را کور کرد و آن بیچاره از درد هلاک شد.

راجه همین که فهمید بسیار خشمگین شد و قفس طوطی را نزد خود گذاشت و به او گفت: «ای ظالم بی انصاف، تو می دانستی که من گفت و گوی شما طوطی ها را بسیار دوست می داشتم و در واقع شادی و خوشی من دو قسمت بود.

نیمی از نشاط و خوشحالی من از شیرین زبانی تو بود و نصف دیگرش از خوش زبانی آن یکی، تو با کشتن آن طوطی نیمی از خوشی و نشاط مرا از بین بردی.

این است که دیگر طاقت ندارم و الان تو را به جرم این گناه می کشم تا این کار برای دیگران عبرت باشد و دیگر کسی مایه دلخوشی کسی را نبود نکند.»

طوطی از شنیدن این حرف ترسید، ولی برای اینکه راجه را راضی کند، مطلب خوبی به خاطرش رسید و گفت: «ای ارباب با انصاف به قول خودت هر یکی از ما یک نیمه از نشاط شما را تشکیل می دادیم. البته من بد کردم که یک نیمه از خوشی شما را باطل کردم، ولی اگر شما مرا هم هلاک کنید با دست خود تمام نشاط خود را از بین می برید.

آیا بهتر نیست گناه مرا ببخشید و حداقل نیمی از نشاط و خوشی خود را داشته باشید؟» راجه از این حاضر جوابی و حرف حسابی طوطی بسیار خوشش آمد و او را عفو کرد.

